

خواسته‌های روزنامه قانون

دکتر ابوالفضل شکوری



مقدمه

«روزنامه قانون» نشریه‌ای است که در واقع «روزنامه» نبوده است، بلکه بیشتر می‌توان آن را فصل‌نامه یا حتی «گاهنامه» طبق اصطلاح امروزی نامید. چرا که ۴۱ شماره بیشتر از آن منتشر نشده است آن هم در طول چهار سال انتشار یافته است. بنابراین «روزنامه» نبوده است. ولیکن در گذشته تسامحاً این قبیل نشریات را روزنامه می‌نامیده‌اند و نشریه قانون نیز به همین اسم نامیده شده است. هر چند که پدید آورنده آن میرزا ملکم خان، دوست داشت بیشتر آن را «الواح قانون» بنامد و در لابلای شماره‌های مختلف از آن با این عنوان یاد کرده است.^۱

نمره اول این نشریه در «غره ماه رجب سال ۱۳۰۷ هـ. ق در لندن انتشار یافته است و در صفحه اول آن به محل صدورش چنین اشاره شده است: «محل صدور این جریده در دفترخانه کمپانی انطباعات شرقی در کوچه لومبارد نمره ۳۸ در لندن». و این عبارت تا شماره ششم آن تکرار شده است

ولی از شماره هفتم به بعد حذف گردیده است. محتمل آن است هم‌انگونه که حامد الگار معتقد است «خبری از کمپانی نبوده» است، بلکه میرزا ملکم خان آن را به تنهایی و با استمداد مورد از اشخاص دیگر تهیه و منتشر می‌ساخته ولیکن وانمود می‌کرده است که شرکت بزرگی با آدم‌های متعدد در پشت پرده دست‌اندرکار آن می‌باشند تا بدین‌وسیله اعتبار بیشتری در میان ایرانیان دور از لندن پیدا کند.

شماره آخر روزنامه قانون که «نمره چهل و یکم» باشد، فاقد تاریخ می‌باشد، ولی از محتوای آن و یکی دو شماره قبلی پیداست که بعد از قتل ناصرالدین شاه و در زمان سلطنت مظفرالدین شاه نگارش و نشر یافته است. دوره کامل روزنامه قانون به کوشش و با مقدمه خانم هما ناطق در سال ۱۳۵۵ ش توسط انتشارات امیرکبیر به قطع یک کتاب رحلی بزرگ در تهران منتشر شده است. میرزا ملکم خان ملقب به «ناظم‌الدوله» فرزند میرزا یعقوب جدید الاسلام فردی از نژاد ارمنی و از اهالی جلفای اصفهان بوده است که همیشه تظاهر پر رنگ به مسلمانی می‌نموده است. وی تحصیل کرده فرانسه (به مدت هفت سال) و مترجم و مدرس دارالفنون در آغاز تأسیس آن توسط میرزا تقی خان امیرکبیر بوده و بعداً سالیان بلند به عنوان سفیر و وزیر مختار ایران در لندن اشتغال داشته و یکی از برنامه‌ریزان سفر پر سر و صدای ناصرالدین شاه به اروپا محسوب می‌شود. در لندن ناصرالدین شاه به عنوان تقدیر از زحمات وی بنا به درخواست خود ملکم خان امتیاز لاتاری (بلیط بخت‌آزمایی) در ایران را به او واگذار کرد ولی بعد از بازگشت به ایران به بهانه این که لاتاری از مصادیق قمار بوده و علما با آن مخالفت دارند، آن را ملفی اعلام کرده و ملکم خان را نیز از القاب و مناصب خود معزول نمود. البته عامل اصلی این اقدامات در اصل نه شاه بود و نه مخالفت علما، بلکه توطئه و برنامه‌چینی امین‌السلطان صدراعظم وقت بود که گویا از کم‌اعتنایی ناظم‌الدوله به خودش رنجیده خاطر شده بود.

در هر حال این قضیه موجب جدایی میرزا ملکم خان از دربار قاجاریه

گردیده و از او یک نفر اپوزیسیون آتشین و تندرو درست کرد. ملکم خان برای مبارزه با امین‌السلطان و دربار ناصرالدین شاه، در لندن ماندگار شده و روزنامه قانون را تأسیس نمود که بصورت پنهانی و قاچاق وارد ایران می‌شد. وی پیشاپیش در تهران تشکیلاتی به نام فراموش‌خانه و مجمع آدمیت راه‌اندازی کرده و رجال سیاسی و مذهبی را به درون آن جذب کرده بود که بعداً به حکم ناصرالدین شاه تعطیل گردید ولی هم‌چنان به فعالیت پنهانی خود ادامه می‌داد، که اعضا و طرفداران آن را «آدم» و رئیس هر یک از شعبه‌هایش را «امین» می‌نامیدند. نشریه قانون در ایران به صورت پنهانی توسط همین امنا و مجامع آدمیت در شهرهای اصلی و مهم ایران توزیع و تکثیر می‌گردید. کسانی مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی و پیروانش نیز از مروجین و مشوقین نشریه قانون محسوب می‌شدند و احتمالاً سید جمال‌الدین برای تهیه برخی از شماره‌های قانون کمک فکری و قلمی نیز کرده باشد. چون وی در لندن مدتی میهمان میرزا ملکم خان بوده است.

قطع نظر از انگیزه واقعی میرزا ملکم در انتشار روزنامه قانون، باید پذیرفت که این نشریه تأثیر سرنوشت‌سازی در تاریخ معاصر داشته است. تأثیر شگرفی که شاید با حجم کم و شماره‌های اندک ناسازگار باشد، ولی هرگز قابل کتمان نیست. نمره‌های اصلی نشریه قانون در ایران به صورت پنهانی مانند برگه‌های زر دست به دست رجال و علما می‌گشت و مورد مطالعه قرار می‌گرفت^۱ و دربار قاجار برغم همه تلاش‌ها و سخت‌گیری‌هایش هیچ‌وقت نتوانست از ورود آن به ایران جلوگیری کند. ملکم خان به دلیل عدم دسترسی حاکمان به او تقریباً همه مطالب را در نقد و حتی نفی حاکمیت موجود و عملکرد او می‌نوشت و در میان عامه مردم تولید اندیشه سیاسی و اجتماعی می‌کرد و آنان را به عنوان قانون‌خواهی در مقابل حکومت فاقد قانون بسیج همگانی می‌نمود.

در این‌جا بر این صددم که با مرور در محتوای شماره‌های روزنامه قانون به اهداف و خواسته‌های اصلی آن دسترسی پیدا کنیم. آنچه که از

مطالعه قانون به دست می‌آید چند محور ذیل به عنوان اهداف و خواسته‌های اصلی نشریه قانون محسوب می‌شود، ولی اصل خواسته آن همانست که در عنوان روزنامه انتخاب شده است، یعنی «قانون» و منظور ملکم خان از قانون و قانون‌خواهی نیز همان مشروطه است. اکنون نگاهی گذرا به عناوینی خواهیم داشت که به نظر ما خواسته‌های عمده اصلی روزنامه قانون به شمار می‌روند.

۱. قانون

ملکم خود قصد و هدف خویش از انتشار روزنامه قانون را در نامه‌ای به سفیر عثمانی در ایران چنین می‌نویسد:

«زبده اصول فکری که من می‌خواهم به تدریج به وسیله یک روزنامه مردمی که در تمام ایران پخش می‌شود، بیان کنم، اصولی است بر پایه اسلام و مغایرتی با علم و اخلاق ندارد. هم‌چنین ادعای برابری با لیبرالیسم غربی نیز نمی‌کند، بلکه فقط طالب حق است. به عنوان هدف فوری، خواست من بیش از این نیست که دولت ما به ما قانون بدهد. کدام قانون؟ همان قانونی که خود شاه خواهان آنست. قانونی که حداقل تأمین جانی و مالی ما را تضمین کند. قانونی که شاید بتواند ما را از هرج و مرج و حشتاک و دزدی‌های سازمان یافته در امان دارد و ...»

به ضرورت بگویم وقتی که من از فساد حکومت گفتگو می‌کنم قصد انتقاد از هیچ شخص بخصوص را ندارم. این فساد زائیده نظام است و نه فرد.»^۲

در شماره دوم روزنامه قانون، تعریفی که از «قانون» مورد نظر شده چنین است: «قانون عبارتست از اجتماع قوای آحاد یک جماعت به جهت حفظ حقوق عامه. قانون باید مبتنی بر اصول عدالت باشد. اصول عدالت را خدا و حکما و عقلای بنی آدم به مرور ایام مقرر و روشن فرموده‌اند. قانون زبان و زور عدالت است و زور عدالت حاصل نمی‌شود مگر به اتفاق.» باز در جای دیگری از روزنامه قانون آمده است:

«مطلب اصلی و فریاد خلق ایران اینست که عدالت باید حکماً مبنی بر قانون باشد و ما در ایران هنوز هیچ قانون نداریم، و از این ناله ما مقصود به هیچ وجه این نیست که یعنی در ایران قانون خوب نوشته نشده است. کتب ما و سینه علمای ما پر است از قانون



شوریه شکاره علوم انسانی و مطالعات فرانسوی
رتال جامع علوم انسانی

• میرزا ملکم خان در حال نوشتن مطلب برای روزنامه قانون

خوب، حرف در اجرای آنهاست.

قوانین خوب در این چند هزار ساله به واسطه انبیاء و حکما به شروح کامل نوشته شده و الان به ترتیب صحیح جمع و حاضرند، و اصول اکمل قوانین را در شرع اسلام مثل آفتاب در پیش روی خود موجود و روشن می‌بینیم. مسأله در اینست که قوانین خوب، خواه آسمانی و خواه عقلی محال است که خود به خود مجرا بشوند.^۵ در نمره چهارم روزنامه قانون راجع به تفاوت قوانین عادی رایج در آسیا و «قانون اعظم» رایج در اروپا چنین آورده است.

«بدیهی است که برای تنظیم یک دولت قوانین متعدد لازم است عدالت و سیاست، زراعت و تجارت، لشکر و مالیات و هر یک از فروع اداره در هر ملک و در هر مقام یک قانون مخصوص لازم دارند. این قبیل قوانین ملکیه در میان ملل آسیا همیشه کم و بیش معلوم بوده؛ ولیکن در سایر دول بر بالای این قوانین فرعی یک قانون دیگری ترتیب داده‌اند که مبدأ کل قوانین و محرک جمیع آبادی‌های این عهد است و ما اهل آسیا از معنی و قدرت آن قانون اصلی هرگز هیچ اطلاعی نداشته‌ایم و ...

این قانون اعظم و اشرف قوانین دنیوی شده است. معنی و مقصود قانون اعظم اینست که یک دولت به حکم آن قانون طوری ترتیب بیابد که قدرت وزرات و عنان مصالح دولت فقط به دست آن اشخاص بیفتد که افضل و اعلم و اکمل قوم محسوب می‌شوند و در آن ضمن حدود قدرت ریاست طوری مقرر شده باشد که هر یک از رؤسا در وقت اجرای وظایف دولتی کاملاً مختار و درحسین از آن وظایف مجبوراً مقید و عاجز بمانند. و ...

حکمای ما به اقتضای نقص علم یا به اقتضای عدم جرئت هرگز یک کلمه به ما نگفته‌اند که چه قانون و چه چرخ می‌باید ترتیب داد که وجودهای ناقابل از مسند وزارت دور و وزرای قابل مجبوراً مطیع قوانین باشند.^۶ باز در شماره دیگر از قانون راجع به بی‌نظمی و بی‌قانونی ایران و حاکم بودن اراده و خواست فردی اشخاص در آن آمده است:

«دولی که پیروز به وجود آمده‌اند همه صاحب قانون شده‌اند و ما که سه هزار سال است دولت هستیم و قرن‌های دراز از مرکزهای ترقی دنیا بوده‌ایم، حال در تحت این

وزرا خود را به طوری ذلیل ساخته‌ایم که به هزار تزلزل نمی‌توانیم لفظ قانون را به زبان بیاوریم. حیوانات کوچک‌های فرنگستان می‌دانند که هیچ کس نمی‌تواند در حق آن‌ها تعدی بکند و ما که به شرافت جنس خود فخرها می‌کنیم از ادنی حقوق زندگی به قدر ذره‌ای اطمینان نداریم.^۷

«آن همه آبادی‌های حیرت‌انگیز و آن آسایش عامه و آن تسخیرات بی‌پایان و آن دریا‌های ثروت که در ممالک خارجه مشاهده می‌کنیم، همه از اثرات استقرار قانون است.»^۸

میرزا ملکم خان محل تهیه و تدوین قوانین را در شماره‌های آغازین نشریه خود پیشنهاد می‌دهد که همان «مجلس شورای دولت» که در اواخر دوره ناصری مرکب از وزرا و برخی از اعیان به وجود آمده، باشد، ولی با تردید بسیار این حرف را می‌زند چون اعتقاد دارد اولاً اگر این مجلس می‌توانست در این باره کاری انجام بدهد تا حالا انجام داده بود، و در ثانی «اعضای مجلس نه اختیار حرف و نه قدرت عمل» و سپس پیشنهاد می‌کند برای بازسازی مجلس شورای دولتی «حقوق و قدرتی که لازمه این مجلس است باید به این مجلس داده شود. مجلس شورا باید اختیار کامل داشته باشد که بر جمیع مصالح بزرگ دولت به آزادی مذاکره کند و بر هر یک از مواد لازمه به اکثریت آرا و به تصدیق پادشاه، قوانین وضع نماید».

دیگر این که «اجزای مجلس شورا باید از حیث مواجب و مرسوم و شأن و منصب به طوری مستغنی و مطمئن باشند که بدون هیچ واژه‌ای بتوانند به آزادی مشغول مذاکرات امور دولت بشوند. از برای حصول این اطمینان شرط اعظم اینست که موافق قرار جمیع دول منتظمه، وجود و شخص هر یک از اعضای مجلس شورای دولت، حکماً و حتماً در امان مطلق باشد. یعنی هیچ یک از اعضای این مجلس را نتوان معزول و مورد هیچ اعتراض ساخت مگر بعد از ظهور یک تقصیر بزرگ و پس از تحقیق و تصدیق خود مجلس شورا».^۹

البته ملکم خان در روزنامه قانون بعدها به جای «مجلس شورای دولتی»، «مجلس شورای ملی» را پیشنهاد می‌دهد که اعضای آن منتخب مردم باشند. وی می‌گوید:
«روح اسلام و ترقی دنیا ظهور یک مجلس ملی را واجب ساخته است و ظهور چنان

مجلس ممکن نخواهد بود مگر به همت علما و مگر به قدرت اتحاد. و امروز اول تکلیف ما خادمان دین مبین اینست که بر سر منابر و در جمیع محافل آحاد این ملت را بیدار نمائیم و بعد به ارشاد انوار شریعت غرّاء، خود ملت را مجاهد نجات خود ملت بسازیم، زیرا که لیس الإنسان الا ما سعی». ^{۱۰} میرزا ملکم خان ناظم الدوله در روند قانونخواهی خود در روزنامه خود در آخرین شماره‌های آن بالاخره به آن چیزی می‌رسد که آن را نظام مشروطه می‌نامیم و مرکب از دو مجلس نمایندگان و سنا می‌باشد. ولی مجلس نمایندگان یا شورای ملی را «مجلس وکلا» و مجلس سنا را «مجلس اقطاب» یعنی بزرگان و شیوخ می‌نامد:

«تدوین و استقرار قوانین باید حکماً به مشورت و به تصدیق دو مجلس جداگانه باشد. یکی مجلس وکلای ملت که خود ملت منتخب می‌کنند، و یکی دیگر مجلس اقطاب که مرکب است از فضلا و کملین قوم. از اجتماع این دو مجلس در یک مقام واحد، یک مجلس ثالثی ظاهر می‌شود که آن را ملاء الاعلی می‌گویند. اعظام مهمات ملک و کلّ مقادیر دولت در ید قدرت ملاءاعلی است.» ^{۱۱}

مدیر روزنامه قانون، مشارکت فضلالی اسلام و علما را در این «مجلس اعظم» لازم می‌داند تا «به اقتضای احکام الهی یعنی اصول اسلام، حدود سلطنت و حقوق رعیت در شرایط عدالت و اسباب ترقی و لوازم سعادت عامه را به حکم قوانین صریح مشخص نمایند.» ^{۱۲}

لازم به یادآوری است که تقریباً همه صفحات روزنامه قانون، مطالب متنوع تبلیغاتی و یا تبیینی و تشریحی راجع به قانون دارد و ما در این جا به آوردن برخی نمونه‌ها بسنده کردیم.

۲. روزنامه

یکی دیگر از اهداف روزنامه قانون ترویج روزنامه‌نگاری و تبیین اهمیت روزنامه و نقش آزادی قلم در رشد و تعالی اجتماعی است و لذا انتشار روزنامه قانون را بهترین و مناسب‌ترین راه برای بیدار سازی مردم ایران و سوق دادن جامعه ایرانی به سوی یک نظام قانون‌مدار معرفی می‌کند که گویا میرزا ملکم خان و همفکران وی بر پایه احساس مسئولیت میهنی، انسانی و دینی آن را با تشکیل و تأسیس یک «کمپانی» تدارک دیده‌اند.

در نخستین شماره روزنامه قانون راجع به انگیزه انتشار آن سخن گفته شده و در ضمن آن گفته شده است که مردم ایران را فقط از طریق انتشار «روزنامه جات» می‌توان نجات داد. عین عبارت نشریه قانون چنین است.

«جمع کثیر از خلق ایران به چندین سبب خود را از وطن مألوف بیرون کشیده، در ممالک خارجه متفرق شده‌اند. در میان این مهاجرین متفرقه، آن اشخاص با شعور که ترقی خارجه را با اوضاع ایران تطبیق می‌کنند سال‌ها در این فکر بودند که آیا به چه تدبیری می‌توان به آن بیچارگان که در ایران گرفتار مانده‌اند، جزئی امداد برسانند؟ پس از تفحص و تفکر زیاد بر این عقیده متفق شدند که به جهت نجات و ترقی خلق ایران، بهتر از یک روزنامه آزاد هیچ اسباب نمی‌توان تصور کرد.

آن چند نفر اشخاص وطن پرست که معنی و قدرت روزنامه جات را درست فهمیده‌اند به یک عزم مردانه افتادند و ... و به عون الهی این روزها یک کمپانی معتبری ترتیب دادند به این عزم مبارک که از اطراف ایران به قدری که بتوانند روزنامه جات و کتابچه‌های مفید انتشار بدهند که از آن جمله یکی همین جریده قانون است.»^{۱۳}

باز در همان شماره آمده است:

«افکار مفید تا با هم جمع نشوند هیچ قدرتی پیدا نمی‌کنند، و اجتماع افکار ممکن نمی‌شود مگر به روزنامه. یک ملت هنوز در دنیا بهتر از آواز یک روزنامه آزاد هیچ ندائی شنیده نشده است.

مأموریت این روزنامه آزاد [یعنی قانون] مبنی بر چهار فقره خواهد بود: انتشار حقایق، ترتیب اتفاق [اتحاد]، طلب قانون و امداد مظلومین.»^{۱۴}

در جای دیگر از روزنامه قانون آمده است:

«از ظهور هر روزنامه فارسی باید به اهل ایران، یعنی به خودمان، تهنیت بگوییم، زیرا که آبادی و ترقی دنیا حاصل افکار صحیحه است و از برای جستجو و انتشار افکار صحیح، بهتر از روزنامه اسبابی اختراع نشده است.

در این عصر یک روزنامه معتبر بر اوضاع یک دولت بیش از یک لشگر مظفر اثر می‌بخشد. روزنامه اختر به دولت و ملت ایران بیشتر خدمت می‌کند تا هفتاد نفر وزیر اعظم.»^{۱۵}

باز در مقام تبیین نقش روزنامه در مهار دولت‌ها از تعدی به حقوق مردم و شکستن نظم و قانون، در روزنامه قانون آمده است:

«از برای تعدیل حرکات وزرا علاوه بر مجالس معتبر که در سایر دول ترتیب داده‌اند، این اوقات در دنیا یک اسباب تازه‌ای ظهور کرده که تأثیر آن الان عالم‌گیر و اسم آن روزنامه است.

روزنامه سرچشمه تنظیمات دنیاست. بدون روزنامه محال است که در ایران یک وزیر قابل ظهور بکند. بدون روزنامه هیچ حق بدیهی و هیچ فضیلتی نیست که از شرّ جهال مقتدر محفوظ بماند. بدیهی است که مقصود از روزنامه نه آن اوراقی است که به حکم وزرا محض مداحی ایشان چاپ می‌شود. آن اوراقی که باید مجبوراً حرکات و قبایح اولیای دولت را تمجید بکنند آن‌ها عوض این که محرک عدالت باشند آلت تشویق سفاهت بزرگان و مایه مزید غفلت خلق می‌شوند.

روزنامه‌ای که بخواهد یک ملتی را به حرکت بیاورد باید خارج از اختیار وزرا، صاحب کلام آزاد و قادر به نعره‌های [فریادهای] بلند باشد. و ...»^{۱۶}

روزنامه قانون یکی از شیواترین و ساده‌ترین نثرهای فارسی را دارد و زبان آن برای توده‌های مردم کاملاً قابل فهم است، چون به قول خودش یک «روزنامه مردمی» است. و لذا از ادبیات فارسی و نویسندگان زبر دست آن ستایش می‌کند. حسنعلی خان امیر نظام گروسی از جمله افرادی است که نثر و قلم او مورد تمجید «قانون» قرار گرفته است. امیرنظام که پیشکار ولیعهد (مظفرالدین شاه) در آذربایجان و یکی از امیران و ژنرال‌های برجسته عصر خود بود، در نظم و نثر پارسی نیز ید طولانی داشت. از قول یک نفر خارجی درباره او نوشته است:

«این حسنعلی خان امیرنظام از خانواده‌های تاریخ ایران و حالا فرمان‌فرمای آذربایجان است. و ... محققاً از وجودهای ممتاز به تصدیق عامه، اولین ژنرال ایران است. ولیکن من قدر و منزلت او را بالاتر از هر قسم کمالات نظامی می‌دانم. در این عهد بلکه در عهد سابق هم هیچ صاحب قلمی زبان فارسی را به صفا و به کمال او ننوشته است. مادامی که زبان فارسی در دنیا زنده است تحریرات این ادیب شمشیر بند، آئینه فضل و روشنایی و سرمشق لطافت و فصاحت خواهد بود. اگر ایران یک آکادمی می‌داشت این جنرال حکماً

رئیس آن مجمع می‌شد.^{۱۷}

نویسندگان روزنامه قانون در دفاع از نثر ساده و بی‌تکلف آن در مقام پاسخ به اعتراض یکی از خوانندگان که پرسیده است چرا این قدر مطالب را بی‌ساخته (ساده و بدون قافیه) می‌نویسد؟ می‌گویند:

«به جهت این که مقصود نه لفاظی است و نه پرستش ظالم. فضیلت زبان بسته در مدح ظالمان و در پیچش و غلامی کلام، زیاد هنرها به کار برده‌اند، حال وقت زندگی سخن است، به جهت دفع این جانوران که بر همه ما حمله آورده‌اند دیگر نه سجع به کار می‌خورد و نه قافیه.»

میرزا ملکم خان از تأثیر روزنامه بر روحیه سیاستمداران، به‌ویژه دولت‌های مستبد کاملاً آگاهست، روی همین اصل اثرات ویرانگر روزنامه قانون بر روحیه صدراعظم مستبد ایران (امین‌السلطان) را هم به خوبی پیش‌بینی کرده است. او واکنش احتمالی «وزیر اعظم» در برابر انتشار روزنامه قانون را، به‌طور تصنعی از قول یک جوان زیرک تهرانی چنین به تصویر می‌کشد:

«وزیر اعظم به محض دیدن جریده قانون از جای خود نیم ذرع خواهد جست، کلاهش را به زمین خواهد زد، یقه‌اش را پاره خواهد کرد و پس از تغییرات و قهرهای زنانه خواهد دوید پیش سفرا و دست و پای آن‌ها را خواهد بوسید، آنچه از حقوق دولت باقی گذاشته آن‌ها را هم پیش حضرات گرو خواهد گذاشت که به دستگیری آن‌ها شاید روزنامه قانون قدغن بشود.»

۳. اسلام‌گرایی

یکی از وجوه بارز روزنامه قانون چیزی است که امروزه به آن اسلام‌گرایی و یا «اسلام سیاسی» گفته می‌شود. و منظور از این اصطلاح اینست که طرف دین اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی تلقی کرده و آن را با سیاست درآمیزد و معتقد به وجود نظام سیاسی و حکومتی در درون اسلام باشد.

در میان غیر معممین شاید میرزا ملکم در آثار مختلف خود از جمله روزنامه قانون نخستین کسی باشد که به چنین روشی تمسک بسته و دین اسلام و شریعت اسلامی را یک نهاد تمام عیار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تلقی نموده است. حامد الگار و برخی

دیگر از پژوهشگران کاملاً سوء ظن دارند و این شیوه میرزا ملکم خان را ریاکارانه و از باب مصلحت می‌پندارند و دلیل‌شان نیز زندگی خصوصی و فردی میرزا ملکم خان است که گویا چندان وجه مذهبی نداشته است. ولیکن استنادات ملکم خان به منابع اسلامی و آیات و روایات بسیار فراوان و شفاف و اظهاراتش در جامعیت اسلام به قوانین و نیازمندی‌های زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی بسیار قاطع و دور از تردید است. در هر صورت او از نخستین کسانی است که به هماهنگی ذاتی اسلام و تمدن غربی و جامعیت اسلام در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی اظهار اعتقاد نموده و در آثار قلمی خود به شدت از آن دفاع کرده است. او از بانیان اسلام سیاسی است و نهادهای مانند مجلس شورای ملی و امثال آن را آموزه‌های برآمده از اسلام معرفی کرده و به دخالت علما و فقها در امر سیاست و مملکت‌داری اظهار علاقه می‌نماید و در روزنامه قانون بارها و بارها به این موضوعات پرداخته است و حتی معتقد است دولت‌های جهان باید نزد مرجع دینی شیعیان آیه‌الله میرزا محمدحسن شیرازی سفیر اعزام نمایند. اکنون نمونه‌هایی از روزنامه قانون را که مؤید گرایش این روزنامه به اسلام سیاسی است و حاکی از اسلام‌گرایی ملکم خان می‌باشد، در این‌جا نقل می‌کنیم.

گرایش روزنامه قانون میرزا ملکم به اسلام سیاسی را می‌توان از این سخن بی‌سابقه وی درباره مرجع تقلید شیعیان جهان میرزا حسن شیرازی که در سامرا ساکن بود به خوبی دریافت که خواستار «فائق شدن بر تمام امرای دنیوی» شده است:

«چرا باید رئیس روحانی صد و بیست کرور شیعه در گوشه یک ده خارجی متزلزل و پنهان بماند؟ چرا باید امام شرعی امت خدا فائق بر تمام امرای عرفی نباشد؟»^{۲۰}

ملکم خان ضمن نمایش دادن یک مناظره خیالی بین چند نفر راجع به دخالت دادن مذهب و مرجعیت دینی در سیاست، اعتقادات خود را از قول آنان بازگو کرده و می‌گوید:

«رئیس جماعت ما آن حضرت است که انوار هدایتش قلب ملت را مملو امید ساخته و اسم مبارکش آقا میرزا حسن شیرازی است. و ... صاحب کمال: پس یک دفعه بگویید می‌خواهید یک مجتهد را شاه ایران بکنید!

سفیر: رئیس روحانی ملت باید خیلی بالاتر از هر شاه باشد. و ...»^{۲۱}

حامد الگار که با بدبینی بسیار به دیدگاه‌ها و مواضع اسلامی ملکم می‌نگرد معتقد است که: «ملکم انجام اصلاحات مادی را در پوشش دین اسلام تعقیب می‌کرد و به همین منظور فراموش‌خانه را تأسیس کرد و نظرات قانونی اسلام و اروپا را یکسان قلمداد کرد. مثابه همین رویه در «قانون» نیز به کار رفت و کوشش زیادی به عمل آمد که به این نشریه نیز یک ظاهر اسلامی داده شود. از همین جهت در شماره ۵ ملکم همان معادله آشنای خود را درباره قانون (یعنی قوانین اخذ شده از اروپا) و شریعت بیان می‌دارد و در شماره دیگری اظهار می‌دارد که: سینه علمای ما مخزن قوانین است. ملکم اعلام داشت اسلام منشاء تمام ترقیات است.»^{۲۲}

راجع به صادقانه بودن و یا مصلحت آمیز بودن اسلام‌گرایی ملکم دشوار است که به این سادگی بتوان داوری نمود، هر چند که او در زندگی شخصی خود چندان چهره مذهبی مطلوب نداشته است ولی از همان آغاز در نوشته‌هایش همیشه گرایش به اسلام مشاهده می‌شود و این مسأله در روزنامه قانون که بر دهه‌های آخری عمر او مربوط می‌شود بیشتر گردیده است، به طوری که با مطالعه صفحات قانون گویا انسان یک کتاب کاملاً مذهبی در زمینه سیاست و اجتماع را مطالعه می‌کند. وی با الهام از آیات قرآن تشکیلات خود را «حزب الله» می‌نامید^{۲۳} و این نخستین بار در ادبیات فارسی معاصر است که از این واژه قرآنی در کاربرد سیاسی و اجتماعی استفاده شده است. ملکم، مسلمانان و طرفداران خود را که تحت تشکیلاتی به نام «مجمع آدمیت» گرد آمده بودند تشویق می‌کند که از مساجد به عنوان یک پایگاه اجتماعی و سیاسی استفاده کنند:

«هر وقت بتوانید علی‌الخصوص روزهای جمعه در مساجد جمع بشوید و در آن اماکن شریفه معانی آدمیت و اصول ترقی و لوازم اتحاد را در نهایت معقولیت به همدیگر توضیح و تلقین نمایید.»^{۲۴}

در جای دیگر از قانون می‌نویسد:

«در هر ولایتی که هستید مجتهد شهر یا امام محله را امین خود قرار بدهید.»^{۲۵}
در مواردی از روزنامه آمده است که اگر مخبران (خبرنگاران) آن نشریه خلاف حقایق

اسلام بنویسند مورد تنبیه قرار گرفته و معزول خواهند شد.^{۲۶}

او در شماره ۲۴ قانون می‌نویسد:

«باید حق و وظیفه مراقبت قانون را به حکم اصول مقدسه شرع اسلام دوباره به دست بیاوریم و به قوت دین مراقب و محصل اجرای قوانین الهی بشویم.»^{۲۷}
در شماره دیگری از روزنامه قانون آمده است:

«صدای الله اکبر اعظم منذرین عالم است. الله اکبر ندای اتحاد اسلام و نوید جمیع نعمات دنیا و آخرت است. چهار صد کرور مسلمان امروز به ندای الله اکبر رب العالمین را تسبیح می‌کنند. از برای اتحاد بنی‌آدم چه بیدقی عالی‌تر از الله اکبر؟ در زیر سایه چنان بیدق عالم‌گیر چه معجزه‌ای است که از برای ملل اسلام میسر نشود. اسلام نه مال عرب است و نه مال عجم، اسلام نه مملوک مصر است و نه میراث هند.

و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً. آفتاب اسلام دنیا را یکسان روشن می‌کند. در زیر این آفتاب هیچ مسلمانی غریب نیست، همه اعضای یک خانه واحد هستند.»^{۲۸}
در برخی از شماره‌های قانون با اخذ مستقیم قوانین و ارزش‌های اروپایی مخالفت شده و آن را موجب شکست اصلاحات در ممالک اسلامی معرفی کرده است. وی خطاب به اروپائیان که در صدد تحمیل قوانین و ارزش‌های خود به جهان اسلام و ایران هستند می‌گوید:

«خبط دوم شما اینست که وقتی می‌خواهید در ممالک ما محرک ترقی بشوید، قوانین و رسوم فرنگستان را از برای ما سرمشق قرار می‌دهید این سبک به کلی غلط است. در ممالک اسلام هر نظامی که از خارج بیاید نه ریشه خواهد داشت نه ثمر.

چرا دولت عثمانی با همه تقویت‌های دول شما از تنظیمات خود هیچ فایده‌ای نبرد؟ به علت این بود که وزرای عثمانی خواستند تنظیمات را از فرنگستان بیاورند و این محال بود. در ممالک اسلام نظم باید ناچاراً از خود اسلام ظهور بکند.

این فقره به نظر شما مشکل می‌آید. به علت این که شما اهل فرنگستان به واسطه بعضی اشتباهات تاریخ [تاریخی] از اصول و از روح اسلام به کلی بی‌خبر مانده‌اید.

شما چند کلمه از یک ترجمه ناقص قرآن می‌خوانید، و از روی هرج و مرج و خرابی‌های ممالک ما حکم می‌کنید که: پس اسلام قابل نظم و قادر ترقی نیست!

این خرابی‌های ملک ما چه ربطی به اسلام دارد؟ همه این خرابی‌ها مستقیماً نتیجه این

مراسم مستبده است که در این هزار سال اخیر آسیا را منحرف داشته و تا این اواخر روح حریت اسلام و اصول ترقی را در زیر تمدیات داتیه خود مقهور ساخته است. ... در دنیا هیچ نظم و حکمتی نمی بینم ک مبادی آن یا در قران یا در اقوال ائمه یا در آن درپای معرفت اسلام که ما آن را احادیث می گوئیم و حدود وسعت آن خارج از تصور شماست، ترقی ما را به سمهی تغییر داده است و...

«ترقی ملل اسلام هرگز ممکن نخواهد بود مگر به موقت و به حکم اسلام.»^{۲۹}
میرزا ملکمدر شماره ۲۵ قانون ظهور استقرار «دولت حقه» را محتوم گرفته و آن را مرهون کوششهای مردم وانجام مأموریت روحانیون معرفی می کند «از برکت نفس این روحانیون در قلب یک ملت اساس دولت حقه به تدریج آشکار خواهد شد.»^{۳۰}

۴. مشارکت اجتماعی زنان

یکی از خواسته های روزنامه قانون تشویق حضور و مشارکت اجتماعی زنان در عرصه های مختلف جامعه می باشد. با توجه به مقطع انتشار روزنامه قانون که جامعه ایرانی درباره زنان بسیار سنتی و محدود نگرانه می اندیشید، مطالب قانون مجمل، کوتاه و گذراست ولیکن به این موضوع بی توجه نیست. اینک نمونه هایی از مطالب قانون در این زمینه را نقل می کنیم.

«نصف هر ملت مرکب از زن [است]. هیچ طرحی ملی پیش نمی رود مگر به معاونت زن ها. زن های ایران باید ملانکه ترویج آدمیت باشند. وجود آنها را در هر مقام باید محترم داشت. یک زن که آدم باشد می تواند به اندازه صد مرد از برای پیشرفت آدمیت مصدر خدمت بشود.»^{۳۱}

در شماره یازدهم روزنامه قانون، به خوانندگان و توزیع کنندگان قانون در ایران توصیه شده است که از وجود زنان غفلت ننمایند.

«چون طایفه نساء در هر ملک و در همه عصر بهترین عمال ترویج حقایق بوده، مخصوصاً بر معرفت عالی حتم است که به هر وسیله مشروع، پاکان و نیکان این نصف محترم ملت مریب جنس خود و محرک اشتعال غیرت عامه قرار بدهید.»^{۳۲}

در شماره دیگری از قانون آمده است:

«بیداری سخت ایران از این نکته نیز خوب معلوم می شود که زن های ما معانی آدمیت

را زودتر و بهتر از اغلب مردها درک می‌کنند. در همین عید گذشته یک خانم محترم در یک مجلس مهمانی به آواز بلند گفته بود: شما را به خدا این قدر هم خیریت می‌شود که رو به روی ما از عرق جبین و از خون جگر مردم به آن ظلم مالیات بگیرند به آن زدالت خرج کنند و به این تفرعن همه ما را غلام و کنیز زر خرید خود قرار بدهند. یک زن دیگر که از خانواده نجیب و شاعر بی‌عدیل است می‌نویسد:

از زن‌های ایران مایوس نباشید ما هنوز این قدر نامرد نشده‌ایم که مثل شوهران و جوانان این زمان سرمایه زندگی را منحصر به عشق بیماری قرار داده باشیم. در این اتفاق [اتحاد] آدمیت در این اردوی نجات ایران خوب می‌بینیم تکلیف ما چیست. بلی، شکست این بازار بی‌ناموسی برعهده ماست. تا به حال نمی‌دانستیم چه باید کرد. قانون چشم و دل ما را گشوده است و رشته انتظام و آسایش خلق ایران الان در دست ماست و حالا که به این جاده فلاح افتاده‌ایم خواهید دید که نفس ما با این مشعل مبارک در این خاک پژمرده چه آتش حیات مشتعل خواهد ساخت.^{۳۳}

از این نمونه‌ها در روزنامه قانون باز هم می‌توان یافت که نشان دهنده اهتمام قانون نویسان بر احیای نقش بنیادین زنان در جامعه ایرانی و اسلامی آن عصر است.

مضافاً بر چهار موضوعی که تا این‌جا محوریت آن‌ها در روزنامه قانون را به بحث گذاشتیم، محورها و عناوین اصلی دیگری نیز وجود دارند که جزء خواسته‌های اصلی روزنامه قانون بوده است و در تمام و یا اغلب شماره این روزنامه روی آنها تأکید شده است. موضوعات مهمی مانند «دیوان‌خانه»، «عدالت»، مجلس شورای ملی، ترویج مجمع آدمیت، نقد بی‌پرده و خشن حاکمیت و تعریض به شخص شاه، ضرورت اتفاق و اتحاد مسلمین و ایرانیان علیه استبداد، تأکید بر ضرورت تأسیس مدارس جدید با سبک اروپایی و امثال، از آن جمله موضوعات مهم هستند که در طول ۶۱ شماره روزنامه قانون بر آن‌ها تأکید شده است. ولیکن همه آن‌ها را در ضمن این نوشتار نمی‌توانیم به بحث و بررسی بگیریم. خوانندگان علاقمند به این موضوعات می‌توانند با مطالعه شماره‌های قانون و تجزیه و تحلیل محتوای آن به این مطالب برسند.

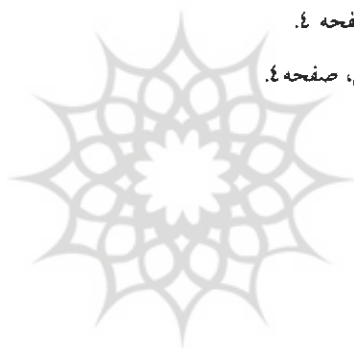
منابع:

۱. ر.ک: روزنامه قانون، به کوشش و با مقدمه هما ناطق، نمره بیستم، صفحه ۴.
(به عنوان نمونه) چاپ امیرکبیر.
۲. ر.ک: روزنامه قانون، مقدمه هما ناطق صفحه ۱۷، تهران انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۵ (۲۵۳۵).
۳. همان، صفحه ۱۷.
۴. همان، متن روزنامه قانون نمره دوم صفحه ۲.
۵. همان، نمره اول، صفحه ۲.
۶. همان، نمره چهارم، صفحات ۳-۴.
۷. همان، نمره ۳، صفحه ۳.
۸. همان.
۹. همان، نمره دوم، صفحات ۳-۴.
۱۰. همان، نمره ۲۷، صفحه ۴.
۱۱. همان، نمره ۲۵، صفحه ۴.
۱۲. همان، نمره ۹، صفحات ۱-۲، نمره ۱۵، صفحه ۲ و نمره ۲۹، صفحه ۴.
۱۳. روزنامه قانون، نمره اول صفحه ۱.
۱۴. همان، صفحه ۵.
۱۵. همان، نمره سوم، صفحه ۳.
۱۶. همان، نمره چهارم، صفحه ۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۱۷. همان، نمره پنجم، صفحه ۳. پرتال جامع علوم انسانی
۱۸. همان، نمره بیستم، صفحه ۴.
۱۹. همان، نمره ۱، صفحه ۶.
۲۰. همان، نمره ۲۹، صفحه ۳.
۲۱. همان.

۲۲. میرزا ملکم خان، پژوهشی در باب تجددخواهی ایرانیان، صفحه ۲۱۶، تالیف پروفیسور حامد

الگار، ترجمه مرتضی عظیمیا و مجید تفرشی، انتشارات مدرس ۱۳۶۹.

۲۳. ر.ک: روزنامه قانون نمره‌های ۲۱ صفحه ۴، ۲۳ صفحه ۳، ۴، ۲۴ و ۲۹ صفحه ۲.
۲۴. روزنامه قانون نمره ۱۳ صفحه ۴.
۲۵. همان، نمره ۱۱ صفحه ۴.
۲۶. ر.ک: قانون نمره ۱، صفحه ۸.
۲۷. همان، نمره ۲۴، صفحه ۳.
۲۸. همان، نمره ۲۷، صفحه ۲.
۲۹. همان، نمره ۳۶، صفحات ۳ و ۴.
۳۰. ر.ک: قانون، نمره ۲۵، صفحه ۲.
۳۱. همان، نمره هفتم، صفحه ۳.
۳۲. همان، نمره دهم، صفحه ۴.
۳۳. همان، نمره دوازدهم، صفحه ۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی